

حاجه حموئی، از اعظم علما و عرفا میباشد شیخ ابراهیم کثیر الروایة و در طبقه علامه حلی و معاصرین وی بوده و علاوه بر علمای عاقله، از محققان اول و پسر عموش یحیی بن سعید و از ابن طاوس و حواصنه بصیر طوسی و شیخ یوسف بن مطهر والد ماجد علامه حلی و دیگر اکابر علمای شیعه امامیه بر روایت کرده است، گویا بهمین جهت و یا باستناد پاره‌ای احادیث مرویّه در کتاب او است که صاحب ریاض العلماء و بعضی دیگر شیعه بودند معتقد بوده اند، عاقل از ایسکه موافق تصریح بعضی از احنافه، در چندین جا از کتاب خود مخالفت حلّفا بصریح و نقل فصول ایشان پرداخته است شیخ ابراهیم تألیفات سودمند بسیاری دارد که بین الفریقین مشهور و اشهر از همد کتاب *فرائد السطین فی مسائل المرتضی و السؤل و السطین* است که سمط اول آن مخصوص با حصار فصول امیرالمؤمنین ع بوده و سمط دیگرش فقط در مذاق سائر ائمه اطهار و حاواده عصمت و طهارت میباشد، از تألیف آن سال هفتصد و شانزدهم هجری فراعته یافتند و در سال ۷۲۲ هجری (دک) در هفتاد و هشت سالگی در عراق درگذشت

در روایات گویند احتمال قوی هست که شیخ ابراهیم صاحب بر حمة، تقریباً وحدت اسم و نسب و طبقه و غیره همان شیخ ابراهیم بن سعدالدین محمد بن ابی المعاهر مؤید بن ابی بکر بن ابی الحسن محمد بن عمر بن علی بن محمد بن حمویة حموئی صوفی باشد که در بعض مواضع تشیع مسوب بوده و اسلام آوردن عاران شاه برادر شاه خدا بنده را بر بندو منتسب دارند که در چهارم شعبان ۶۹۴ ق در درب قصر خود در مقام لاری دعاوند مجلس بررگی تشکیل داد، غسل کرد، لباس شیخ سعدالدین حموئی پدر شیخ ابراهیم را پوشید، مشرف اسلام مشرف شد و جمعی وافر ارتکب بر بحتهت اسلام آوردن پادشاهشان بقول آن دین مقدس متعمر گردیدند و ایشانند که ترکمان نامیده شدند شرح حال سعدالدین محمد مذکور را بر بعنوان سعدالدین حموئی نگارش خواهم داد چنانچه در بالا نگارش یافت، حموئی گفت شیخ ابراهیم بلکه دیگر افراد این حاواده بحتهت انتساب بحدّه عالیشان حتمویا بوده و یا با احتمال بعید بحتهت انتساب بدیده

حموید نام از عومله دمشق است لکن طاهر روصات آنکند حَمُوئی گفتن فقط بجهت اوّل است نه بجهت انتساب بدو بد مذکور زیرا که ایشان از اهل حوین هستند و بهر حال حموئی گفتن بجهت بست سنده حمی یا حماة نیست که در آن حموی گویند چنانچه در ربر مذکور خواهد شد اما حمویسی گفتن شیخ ابراهیم که حرف پنجمین آن بون و آحرش بیر حرف یا باشد ، چنانچه در هدیه الاحباب همیطور نوشته شده ، اصلاً مأحدی ندارد و منافی قاعده نیست است و شاید از اعلاط چاپخانه باشد

(صد و بی و من ۱۲۷ هـ و ۴۹ ت و ۴۵۸ ح ۵ اعیان الشعه و ۶۷ ح ۱ کم)

حموئی سعدالدین محمد - بهمین عنوان سعدالدین خواهد آمد

حموی^۱

حموی ابراهیم بن عبدالله - در باب کسی بعنوان ابن ابی الدم خواهد آمد
 حموی یاقوت بن عبدالله، رومی الحس، حموی المولد، بغدادی المسکن،
 حموی شهاب الدین اللقب، ابو عبدالله الکیة، از مشاهیر ادبا و جغرافییین
 اسلامی میباشد که در کودکی اسیر شد و تاجر عسکر نامی انتقال یافت ، از آن رو که
 مولایش عسکر بی سواد بود و تاجر امور تجاری بحیری آشنائی نداشت او را تحصیل علم و
 یاد گرفتن خط و کتابت نگماشت که در امور تجاری معین و مددکار وی باشد اینک یاقوت
 از فرصت استفاده کرد ، در آن اثنا مقداری وافی از نحو ولعت احد نمود ، بجهت تمشیت
 امور تجاری مولای خود شام و عمان و نواحی آنها مسافرتها کرد ، عاقبت سال پانصد و بود و شش
 از هجرت آزاد و ارفید سدی خلاص گردید ، پس در عمل کتابت احمر و مستخدم شد ، بدان
 وسیله فوائد بسیاری از مراجعه بکتاب متفرقه بدست آورد و در نتیجه اطلاع از مطالب
 بعض کتابهای حوارج ، تعصب مذهبی شدیدی بست بقائد اهل سنت و جماعت در دلش

۱- حموی - با دو فتحه ، نوشته روصات ، مسوب شهر حماة (بفتح اول) از بلاد
 شام میباشد (در مقابل حمص و حلب) و ربیائی و حویری مردم ماش در اثر لطافت آب و هوا
 مشهور است (سطر ۱ ص ۹۱ ت)

راه یافت تا سال ششصد و سیردهم که بعزم تجارت شام رفته بود در اثنای مساحت مدهبی با مردی علوی، آن فکر منحوس خود را برور داد و نام نامی حضرت امیرالمؤمنین ع را بطور خارج از اصول ادب بر زبان آورد، بهمین جهت قتل و اعدام او از طرف اهالی تصمیم گردید، ناچار حلب و موصل و اربل و حراسان علی المرتبی فرار کرد و عاقبت اقامت در مرو را اختیار نمود، از کتابهای آنجا فواید بسیاری بدست آورده و اکثر کتابهای خود را در آنجا تألیف کرد پس بحوارم رفته نادر سال ششصد و شانزدهم بحرب ارحوف نابار و معمول نابار بگشته و در آنجا اقامت نمود و سال ۶۲۶ هـ قمری (حکو) در پناه ویک یا دو سالگی در آنجا درگذشت تألیفات یاقوت ندین شرح است

- ۱- احبار الشعراء که در فقره سیردهم دلیل اشاره خواهد شد ۳- احبار الممتسی
- ۳- ارشاد الاریب الی معرفة الادیب که گاهی ارشاد الالاء الی معرفة الادباء نیز گویند و همین کتاب میباشد که به معجم الادباء شهرت یافته است چنانچه آن را طبقات الادباء نیز گویند در پشت صفحه اول چاپ دویم این کتاب نوشته شده ارشاد الاریب الی معرفة الادیب المعروف بمعجم الالاء او طبقات الادباء، بالحمله کتاب معجم الادباء باطبقات الادباء با ارشاد الالاء کتابی دیگر غیر از کتاب ارشاد الاریب بوده هر چهار اسم یک مسمی هستند و خود یاقوت در دیباچه معجم الادباء گویند که آن را ارشاد الاریب الی معرفة الادیب نام کردم و بهر حال دومرتبه در مصر چاپ شده است ۴- ارشاد الالاء الی معرفة الادباء رجوع بقدره سوم شود
- ۵- الدول ۶- طبقات الادباء رجوع بقدره سومی فوق نماید ۷- عنوان کتاب الاعانی
- ۸- المبدأ و المال در تاریخ ۹- مرصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و النقاغ که ساهمشهور این کتاب بیر که در تهران چاپ شده از تألیفات یاقوت میباشد و از فهرست کتابخانه مصر هم هست این کتاب یاقوت نقل شده و بعضی فهرات دیباچه خود کتاب بیر صریح است در اینکه یاقوت کتاب بررگ خود معجم البلدان را تلخیص کرده و آن تلخیص را بهمین اسم مرصد مسمی داشته است، لکن بعضی فهرات دیگر دیباچه مر نور بیر مخالف آن میباشد و علاوه در دلیل شرح عتقه (شهری است در ساحل دریای شام) گویند این شهر مسحر فرنگیها

شد ، صلاح‌الدین ایوبی استردادش کرد ، دیگر بار تصرف فرنگیها در آمد و بعد از این حمله گوید گویم که در سال ۶۹۰ هـ (حس) بار هم ملک اشرف بن ملک منصور قلاوون فتح کرد و از فرنگیها استردادش نمود و آن ، یکی از فتوحات بزرگ مسلمین است

سازند گوید این تاریخ فتح آحری عگه شصت و چهار سال بعد از وفات یاقوت میباشد و از این رو ممکن نیست که این حمله ، از یاقوت باشد مرموده فاصل محدث معاصر و بعضی از ادبای عرب ، صفی‌الدین بن عبدالحق متوفی سال ۷۳۹ هـ ق (دلط) کتاب معجم البلدان یاقوت را تلخیص کرده و مرصداطلاع علی اسماء الامکنه والمعای نامیده است ، لکن دور هم نیست که این حمله گویم با آخر کلام مذکور را یکی از فصلا در حاشیه کتاب مراد که دم دستش بوده نوشته سپس در مقام استساح آن حاشیه را بر بحیال ایسکه از خود مؤلف کتاب است داخل در متن کرده باشد و بطائر این بسیار کثیر الوقوع است بالاحمال بست کتاب مراد یاقوت محل بر دید است و سحّه چاپی موجود در برد این نگارنده بر معلوظ بوده و محل اطمینان در حل این گونه اشکالات نمیشد و طن قوی دارم که بعد از تحصیل سحّه دیگر واقع مطلب از مراجعه بخود سحّه مکشوف گردد

۱۰- المشترك وصفا المختلف صفا در بلاد متشابه الاسم ۱۱- معجم الادباء رجوع بقرة سومی فوق نماید ۱۲- معجم البلدان ۱۳- معجم الشعراء ظاهراً همان احبار الشعراء مذکور در بند اول بوده و غیر از معجم الادبای مذکور است ۱۴- المعتصم من حمرة النسب که اسباب عرب را در آن نگارش داده است پوشیده نماد که صاحب ترجمه یاقوت بن عبدالله ، غیر از یاقوت مستعصمی ، یاقوت ملکی ، یاقوت مهدی الدین است و شرح حال هر يك از اینها بر تحت عنوان تالی خود خواهد آمد

(ص ۳۴۹ ح ۲ ک و ۱۸ ح ۱ ح و ۱۹۴۱ مط و ۱۲۷ هـ و ۷۸۵ ح ۶ ص و ۷ عم)

ابراهیم - نوشته محدث معاصر همان حموئی فوق‌الذکر است

حموئی

و رجوع بنا بها نماید

(برورن کمیل) احمد بن عبدالله است و بعنوان مالقی خواهد آمد

حمد

حمیدالدین

عمر بن محمود - بعنوان حمیدی در زیر مدکور است

حمیدی

عبدالرحمن بن احمد بن علی، مصری، ملقب برین الدین، معروف

بحمیدی، ادیبی است شاعر ماهر و مؤلف کتاب الدر المنظم فی مدح

الحبیب الاعظم که دیوان او بوده و در قاهره چاپ شده است و وی سال ۱۰۰۵ هـ قمری (عد)

در گذشت

(ص ۷۹۹ مط)

حمیدی

عمر بن محمود - بلخی، ملقب بحمیدالدین، معروف بحمیدی،

که گاهی بجهت انتساب پدرش بمحمودی بیه موصوف می باشد از

مشاهیر فصلاهی ادبا و اکابر علمای عصر ملکشاه سلجوقی و معاصر ابوری ایوردی و مسدد سین

قصاوت بود، بصایف طرفه و خوبی دارد و در تمامی آنها همه گونه محسبات بدیعیه را

در نظر گرفته است

۱- الاستعانة الى الاحوان الثلاثة ۲- حین المستحیر الى حصرة المحیر ۳- روضة

الرصافی مدح ابی الرضا ۴- قدح المعنی فی مدح المعنی ۵- مقامات که بمقامات حمیدی

معروف و برنا پارسی میباشد، دارای بیست و چهار مقامه بوده و مست برنا پارسی

دارای مکاتبی است که مقامات حریریست عربی دارد این کتاب مسهورترین و ممتازترین

تألیفات او میباشد که بارها در هند و ایران چاپ شده و ابوری قطعه ای در مدح آن گفته

و ار همان قطعه است

هر سخن کان بیست قرآن یا حدیث مصطفی از مقامات حمیدالدین شد اکون ترهات

۶- مية الراحي في جوهر التاجي ۷- وسيلة العماة الى اكنى الكفاة حمیدی در نظم بیه مهارتی

سرا داشته و از اشعار او است

میگشاید بعقل و میسدد

مرد ناید که ناب مقصد خویش

گفتن با گراف بسدد

رفتن بی مراد ستاید

برق ناید که حیره می حسدد

ابر ناید که یاوه می گریسد

اصاً

شادان بود آبدل که ز بندش بوکی

کی بست شود آنگه بندش بوکی

گردون سرافراشته صد بوسه دهد
 هر روز بر آن پای که سدش تو کسی
 حمیدی سال ۵۵۵۹ قمری (ثبط) درگذشت
 نگارنده گوید این جمله که از مجمع الفصحا نوشته شد باره‌م محتاج به تنوع رأید و مراجعه
 بمابع دیگر میباشد و علی‌العحالة بجهت عدم مساعدت وقت و حال و وسائل مقتضیه
 بهمین مقدار کفایت میکند

محمد بن عبدالحمید - مصطلح علمای رجال بوده و شرح حالش
 حمیدی
 موکول بدان علم است

حمیری

اسمعیل بن محمد - چنانچه اشاره شد بعنوان سید حمیری خواهد آمد
 حمیری

عامر بن عبدالرحمن - بعنوان ابوالهول در باب کسی خواهد آمد
 حمیری

عبدالله بن جعفر بن حسن (یا حسین) بن مالک بن جامع - حمیری
 حمیری

قمی، مکتبی ابوالعباس، از ثقات اصحاب حضرت امام علی النقی
 و امام حسن عسکری علیهما السلام بوده و از رحوه و اعیان مشایخ قمیین میباشد کتاب
 التوقیعات الصادرة من الناحیه المهدسه و کتاب قرب الاسناد از جمله تألیفات او است سال
 ۲۹۷ هـ ق (رصر) بکوفه رفته و از محدثین آنجا استماع حدیث نمود، ابوعالم زراری
 و محمد بن یحیی عطار هم که از رجال کلینی است از وی روایت میکنند سال وفاتش

۱- حمیری - مکر اول و فتح ثالث، مسوب بحمیر بن سنا بن یسح، پندریکی ارقنائل
 یمن بوده و ملوک حمیری هم بدو انتساب دارند حمیر نام موضعی هم هست در سمت عربی صنعای
 یمن که قبیله مذکور در آنجا فرود آمدند لفظ حمیری در اصطلاح رحالی، عبارت از عبدالله بن
 جعفر بوده و گاهی بررندانش محمد و حسین و جعفر و احمد و باحمد بن علی و اسمعیل بن
 محمد هم اطلاق یافته است، مشهورتر از همه ترتیب اولی و آخری و دومی میباشد و
 در اینجا شرح احمالی حال عبدالله بن جعفر که کتاب قرب الاسناد او مشهور است میپردازیم و
 بعضی دیگر از موصوفین بحمیری را که در این کتاب تحت عنوان دیگر نگارش یافته تذکر داده
 و شرح حال دیگران را موکول بکتب رحالیه میداریم شرح حال اسمعیل بن محمد مذکور
 سر در همین کتاب بعنوان سید حمیری خواهد آمد

دست نیامد و پسرش محمد بن عبدالله بن جعفر در سال ۳۰۴ هـ قمری (شد) احاره داده است
(کتب و حالیه)

حمیری	فرور دیلمی - بعنوان دیلمی فرور خواهد آمد
حمیری	محمد بن عمر بن مبارک - بعنوان بحرق مذکور شد
حمیری	شوان بن سعید - بعنوان علامه بمن خواهد آمد
حناط	(برورن عطار) در اصطلاح رحالی سالم و محمد بن بشیر میباشد و شرح حال ایشان موكول بكتب رحال است
حنطی	عبدالواحد بن نصر - بعنوان سابعه نگارش دادیم

حواریین - در اصطلاح دینی و علمای رحال ، جماعتی است از اصحاب حضرات معصومین علیهم السلام که در بعضی آثار دینیّه مدح ایشان بهمین عبارت وارد آمده است
کشی با پیچ واسطه از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است که روز قیامت
منادی ندا میکند ، که ایند حواریین محمد بن عبدالله ص که بر عهد آن حضرت درگذشتند
و آنرا بقص مگردند پس سلمان و مقداد و ابودر بر حیرند بار دوم مثل همان ندا در باره
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میرسد پس محمد بن ابی نکر ، میثم تمار ، اویس قرنی و عمرو
بن حمق با عمرو بن حنعمی بر حیرند بعد مثل همان ندا در باره حسن محتسب میرسد ، سمان
بن ابی لیلی همدانی و حدیقه بن اسید (اسد ح ل) عماری بر حیرند ، بعد از ندای حواریین
حضرت حسین بن علی ع ، تمامی شهدای کربلا بر حیرند در ندای حواریین حضرت علی
بن الحسین ع حبیر بن معطم ، یحیی بن ام الطویل ، ابوحالد کانلی و سعید بن مسیب بر حیرند
در ندای حواریین حضرت با فرج عبدالله بن شریک عامری ، زرارة ، نوید بن معاویه ، محمد بن مسلم ،
لیث بن یحتری بن ابی یحیی ، عامر بن عبدالله بن حداعة (حراعه ح ل) حجر بن رائده
و حمزان بن اعین بر حیرند و یا در ندای حواریین حضرت با فرج عبدالله بن شریک عادی ، عبدالله
بن ابی یحیی ، عامر بن عبدالله بن حداعة ، حجر بن رائده و حمزان بن اعین بر حیرند
سیس حواریین سایر ائمه ع ندا کرده میشوند و این حواریین در عرصه محشر اول سابقین
و اول مقررین خواهند بود (مستطرفات و تنقیح المقال و سطر ۳۲ ص ۳۱۲ ب)

حوران^۱

ابراهیم بن عیسی بن یحیی بن یعقوب بن سلیمان - ارفضای عصر

حورانی

حاصر ما است که در حلب رایبند شد و در بیروت اقامت کرد، در

علم منطق و هندسه و فلک، گوی سفت از دیگران نبود، در ترجمه کتب دینی و علمی و ادبی

و ادبی تمام تمام داشت تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است

۱- الايات السنات في عرائب الارض والسموات ۲- حلاء الدیاحی فی الاعار والمعمیات

والاحاحی ۳- الحق الیمین فی الرد علی نطل دروین، این هر سه در بیروت چاپ شده است

۴- حکم الانصاف فی رجال تلغراف ۵- الصوء المشرق فی علم المنطق که هر دو در چاپخانه

امیرکان ارفا هر چاپ شده است ۶- مناهج الحكماء فی بصی المشو والارتفاع که بیرون بیروت طبع

رسیده است ابراهیم سال ۱۹۱۵ م = ۱۳۳۳ هـ قمری (عشراخ) در هفتاد و یک سالگی درگذشت

(ص ۸۰۲ مط)

محمد بن ابراهیم بن عمر - یا عمران بن موسی، ادیب نحوی،

حوری

از مرتزین ادبا بوده و در اسباب و علوم قرآنیه نیز برتری داشت،

در نیشابور از محمد بن درید و جعفر بن درستویه درس خواند تا آنکه خودش مرجع

استفاده اکابر وقت گردید و در حدود ۳۵۴ هـ قمری (شده) درگذشت سست او نوشته یاقوت،

شهر حور نامی از بلاد فارس می باشد و در مراد گوید حور، صحیح اول موضوعی است

در کوفه و هم قصه ایست در راه خراسان در ده فرسخی بغداد و دیهه ایست در سمت شرقی

واسط که بممره یکی از محلات آن شهر است و آن را حور برقه نیز گویند و سایر این

شهر حور نامی در فارس و خود ندارد بلکه حرف (ح بی نقطه) در فارسی بوده و از مختصات

عرب است مگر اینکه مراد یاقوت همان حور خراسان بوده و کلمه حور نیز معرب باشد

و در بعضی از نسخ کتاب معجم الادبای یاقوت، کلمه حوری را با حیم اول نوشته اند و در

بیست که از بلاد فارس بودن آن حایچه یاقوت تصریح کرده صحت این نسخه را تأیید

۱- حوران - صحیح اول، مؤسسه مراد، آبی است در نجد و ناحیه بزرگی است از

مضاوات دمشق که بر مرارح و دیهات بسیاری مشتمل بوده و بعضی از مسوین آن را تذکر میدهد

نماید زیرا که حور یا حیم مصمومه نوشته مرآصد از بلاد کرمان است و اما موضع حور نامی (ما ح بی نقطه) در بلاد فارس سراع نداریم و محلی نماد که محمد بن ابراهیم صاحب بر حمه را در حرف حیم نیز بعنوان حوری نوشته ایم و بصفت بعضی مرایای دیگر در اینجا اتعاده شد (ص ۱۱۹ ح ۱۲ حم)

حوف^۱

اسمعل بن حلف بن سعید بن عمران - اصراری صقلی اندلسی، قاری

حوفی

بحوی، از اکابر علم ادب بود، فن قرائت را متقن داشت، کسبه اش

ابوطاهر و مؤلف کتابهای زیر است

- ۱- اعراب القرائات ۲- الاکتفاء در قرائت ۳- العنوان در قرائت و طاهرا همان کتاب عیون مذکور در زیر است ۴- العیون در قرائت ۵- مختصر الصحة که کتاب حجت نام فارسی را بلخیص نموده است و فاش نوشته روایات در اول محرم ۴۵۵ هـ و (ته) و نوشته معجم الادباء در سالهای بعد از پانصد و دهم هجرت در قید حیات بوده است (ص ۱۱۳ ب و ۱۶۵ ح ۶ حم)

علی بن ابراهیم بن سعید بن یوسف - عالم فاضل مصر قاری بحوی،

حوفی

مکنی نابوالحسن، از مشاهیر بحویین و ادبا و مرجع استفادة

اکثر فصلاهی عصر خود بود و تألیفات سودمند دارد

- ۱- اعراب القرآن ۲- البرهان فی تفسیر القرآن که بسیار نفیس است ۳- علوم القرآن ۴- الموضع در نحو و در عرّة دیحجه سال ۴۳۰ یا ۴۳۶ قمری (تل یا تلو) درگذشت (ص ۳۶۰ ح ۱ کا و ۱۲۷ هـ و ۲۲۱ حم و ۶ صف و ص ۱۸ ص ۱۱۳ ت و عره)

۱- حوف - صح اول، نوشته بعضی، ناحیه است در سمت شرقی مصر و هم دهبی است

از آن ناحیه در مرآصد گوید در مصر دو موضع حوف نام هست، یکی در سمت سام و دیگری در سمت غربی مصر در قرب دمياط و هر دو در بلاد و دیهات سساری مستعمل میباشد، حوف رسیس هم موضعی دیگر است در مصر، حوف همدان و حوف مراد نیز دو ناحیه است در یمن لکن مشهور در این دو آخری با حرف حم اول است باری بعضی از مسوسین حوف را (حوفی) تدکر میدهند (مرآصد و عره)

سخن پوری^۱

حویری شیخ جعفر بن عبدالله بن ابراهیم - اصلش از حویره، مولدش کمره، مسکنش اسپهان، مدفنش نجف، لعش قوام الدین، و شهرتش قاصی است در اوائل قرن دوازدهم هجرت از بزرگان علمای نامی امامیه و فقیهی بود فاضل کامل حکیم حلیل القدر و دقیق العطانه و رفیع المرله در معرفت احبار و کلام و تفسیر بی نظیر، در دکاوت و جامعیت کمالات علمیه و حید عصر خود شمار میرفت، علم حدیث و احبار را از مولی محمد تقی مجلسی فرا گرفته و در معقول و منقول ارشادگردان آقا حسین حواساری و محقق سرواری صاحب دحیره بود، سید صدر قمی شارح وافی و مولانا محمد اکمل والد ما حد آقای بهیابی هم از بلامده شیخ جعفر میباشد در تمامی عمر خود قضاوت اسپهان بدو مقوص گردید و بهمین جهت بین علما شیخ جعفر قاصی شهرت یافت و از تألیفات او است

۱- اصول الدین ۲- حاشیه شرح لمعه ۳- حاشیه کفایه اسناد خود محقق سرواری ۴- دحائر العمی در تعقیبات بمار که نامر ساه سلطان حسین صعوی تألیفش داده و غیر اینها که تعلیقات و حواشی بسیاری بر مصنفات امامیه دارد و مشهور بر آن همه حاشیه شرح لمعه او است که بین العلماء دائر و محل استفاده فحول و اکابر مییاسد وفات وی بتصریح روایات الحیات سال ۱۱۱۵ هجری در اسای مراجعت از سفر حج در ارس عراق و فوج یافت، لکن در مستدرک الوسائل این کلام روایات را حمل بر اشتباه کرده است از امیر اسمعیل خاتون آبادی که در همان سفر حج از اهل قافله بوده و تمامی وقایع آن سفر را روز بروز می نگاشته نقل کرده است که صاحب ترجمه (شیخ جعفر) فاصله یکسال و نیم

۱- حویری- بسم اول و فتح ثانی، مسوب است بحویر و آن بوسه مرصده و موافق آنچه در روایات ارتلخیص الآثار نقل کرده موضعی است مابین واسط و حورستان و سره و در قاموس گوید قصه ایست در حورستان و این هر دو یکی است در اینجا بعضی از مسووس آنرا (حویری) بسم اوراق کرده و تذکر مندهم

ار وفات مجلسی ثانی (۱۱۱۱ هـ ق) بمقام شیخ الاسلامی رسید ، در سال ۱۱۱۵ هـ قمری (عقیه) که محمود آقا نام ناخر ، با جمعی کثیر از اعیان دولت و اهل حرم سلطان و طبقات دیگر که کلا در حدود ده هزار نفر میشدند و سه هزار تن از ایشان عارم ریارت کعبه بوده اند و نفود سیاری بجهت تعمیر مشهد حبیبی همراه داشته و شکله حرم کاظمین ع را بر با خود میبرده اند ، شیخ حمر بیر در همان قافله عارم ریارت کعبه بود با در کرما شاهان بیمار شد و در دوفر سحی بجهت اشرف پیش از ریارت کعبه وفات یافت عالم حلیل ، مولی محمد سراب (شرح حالش بهمین عنوان سراب خواهد آمد) به بحیر و تکفین وی پرداخت و در قرب قبر علامه حلی مدفون گردید قوام الدین میرزا محمد فروسی که ارشاد گردان خود شیخ حمر بود (شرح حالش بهمین عنوان قوام الدین خواهد آمد) فصیده ای طریقه در مرثیه اش گفته است که بعضی از اشعار آن را ریت بحث اوراق میسماید

والعلم والحلم والاحلاق والشمیما	الدهر یعنی الیما المجد والکرما
سما علم و ماح البحر والتظما	و رثرت ارض علم بعد ما انصطرت
نطاق واندهر او هی الرکن فابهدما	یا صرهدا فراق بیسا و متی
سفائن العلم مسدولا و معتسما	بشیخنا حمر بحر ساحله
ابن الدی هدب الاحکام والحکما	ابن الدی فسرالات محکمة
کما الشفاء عنیل یشتکی السعما	طل الاشارات بعد الشیخ مهممة
عین التحلیل اصیبت عینه بعما	بات الصحاح سعیمما مد فارقه
شروحها و حواشیها وما رهما	تسکی علیه عون العلم تسعدھا
یعنی علی صفحه الايام مارسما	تمصی اللیالی ولا تصی مآثره
والعلب منه سار اللوعة اصطرما	والمص فی عرفات الشوق والهة
من حاب القدس نوراً یکشف الظلما	و ادا نای علی وادی السلام رای
والرب ناداه قی بالواد محتثما	استعملته به الارواح طیبة
لسک یا محیی الاموات والرمما	فعال لیسک یارسی و معتمدی
بالحسم والروح لایلمی به سأمما	فحل فی مجمع الارواح بصحبهم

تا آنجا که گوید

بعد السلام علی من سرفی الحرما	قف بسلام علی ارض العری وقل
اهمی علیه سحاب الرحمة الدیما	مسی السلام علی قبر محصرتنه
طه و یس والصفوان محتثما	واقراً علیه بترتیل و مرحمة

ح و ی

محمد حیر منی و منی و منی عرماً
اسدوا ایسا صوف الحیر و العما
واقبل شاعتهم فی حقه کسرماً
فانله یهدی ساقی نوره الامما

واسط هناك وقل یارب صل علی
وآله الطیبین الطاهرین بما
وحی بالروح والریحان ترنته
تاریخ ماقددها باعان بحمد هدی = ۱۱۱۵

تمامی قصیده در روصات سی و نه بیت است و در ایضا تلخیص و انتخاب شد

شیخ جعفر قاصی ، هنگام مسافرت زیارت کعبه بمسرفوت ، مردم را مخاطب داشته فرمود هر یک از شماها که در اوقات قضاوت من محکوم بهی حقی شده ارمین راضی باشد زیرا که من بعد از قطع و بقیصت قصیه و موافق حکم الهی بودن آن ، حکم داده ام و اندا حکم ساحق نکرده ام و لکن هر کسی که حقاقت وی ثابت نگردیده و بجهت حکم ندادن ما حق واقعی او صایع شده و بحق خود نرسیده مرا حلال کند و از من راضی باشد که شاید در واقع ، حق ، او را بوده و لکن بجهت قصور شاهد و بیسه و مدارکش در نظر ما ثابت نشده باشد

کمره - با سه فتحه ، اردبیهات بحارا میباشد حنا بجه در مرصده گفته است و بهر موده روصات ، ناحیه بررگی است مستمل بردیهات و مرارح سیار از نواحی برو حرد در ببح فرسخی حر بادقان بهر حال درست بکمره ، کمرئی گویند و صاحب ترجمه (شیخ جعفر) از همین کمره برو حرد است (ص ۱۴۹ ت و ۳۸۵ ص)

سید خلف بن سید عبدالمطلب بن سید حیدر بن سید محسن - بن سید

حویری

محمد بن سید فلاح بن هب الله بن حسن بن علی بن عبدالحمید

موسوی ، حویری مشعشی ، والی حویره ، عالمی است فاضل کامل عابد راهب متکلم ادیب شاعر ماهر و محدث محقق حلیل القدر از اکابر او احر قرن یازدهم هجرت که بسیار مرصص بود ، لباس حش می پوشید ، طعامی درست می خورد ، کثیر الصیام بوده و اصلاً ناوله از وی فوت نمیشد ، در لیاالی جمعه حتم قرآن میکرد ، عادات او صرف المثل بود و تألیفات مفید دارد

۱- الاثنی عشریة فی الصلوه ۲- برهان الشیعة در امامت ۳- الملائع المسین در احادیث

فدسه ۴- الحجة الثالثة در کلام ۵- الحق المسین در منطق و کلام ۶- حق الیقین در کلام

۷- حیر الکلام فی المنطق و الکلام ۸- دلیل السحاح در ادعیه ۹- دیوان عربی ۱۰- دیوان فارسی ۱۱- رساله‌ای در نحو ۱۲- سیل الرشاد در نحو و صرف ۱۳- سعیدة السحابة فی مسائل الائمة الهداة ۱۴- سیف الشیعة در حدیث و یا در مطاعن اعدای ائمه ع و شاید دو کتاب بدین اسم باشد ۱۵- شرح دعای عرفه سیدالشهداء که نامش مطهر العرائف است ۱۶- فخر الشیعة در مسائل حضرت امیر المؤمنین ع ۱۷- مطهر العرائف که همان شرح دعای عرفه است ۱۸- منظومه‌ای در نحو ۱۹- المسودة فی القرسی فی مسائل الرهرآء و ائمة الهدی ۲۰- النهج القویم در کلمات حضرت امیر المؤمنین ع و غیر اینها وفات سید حلف نوشته در ریة سال ۱۰۷۳ هـ قمری بوده است

در توضیح لفظ مشعشع و نسبت مشعشی میسکارد در روایات الحدیث ، پس از آن که سید حلف را با سید محمد بن فلاح نوشته (چنانچه ما هم نگارش دادیم) گوید سید محمد لقب مهدی داشته و سید حلف موسوی خویری مشعشی است و گویند که مشعشع از القاب علی پسر سید محمد بن فلاح است که حاکم حرائر و نصره بوده ، کر بلا و نجف را غارت نمود و اهالی آنها را کشته و جمعی از ایشان را اسیر کرد و در ماه صفر ۵۰۸ ق سلاد خود برد مشهور است که گروهی از مشعشیان شمشیر را می‌چوردند ، یکی از ایشان در عهد میرزا عبداللہ افندی سالف الترحمة برد سلطان آمد و با حضور جمعی از درباریان این کار را بعمل آورد اثنی در محالس المؤمنین گویند مشعشع والی حورستان سید محمد بن سید فلاح در سلك شاگردان احمد بن فهد بود ، اس فهد (شرح حالش در باب کسی بعنوان اس فهد خواهد آمد) کتابی در علوم عربیه داشته و در حین احتضار آن را یکی از خدمه خود داد که در فرارش اندارد ، سید محمد ، بهر وسیله که بوده آن کتاب را از وی گرفت و از رهگذر علوم عرسه ، اعراب حدود حورستان را مرید خود کرد ، ایشان را دگری متشمل بر اسم علی یاد داد که مقارن خوانند آن بدن ایشان متحجر میشد و مبادرت نامور حظیره چون شمشیر بیر بر شکم نهادن و آن را حم کردن و دیگر امور عصبه میکردند سید محمد خود را ملقب بمهدی نموده و دعوی مهدویت آغاز کرد و سال ۸۲۰ یا ۸۲۸ ق ظهور نمود ، سلاد بسیاری رفت و گروهی بدو گرویدند تا در سال ۸۷۰ ق (صغ) درگذشت این سلسله با آن همه اشتباهی که تا وصف مشعشی

دارند در هیچ‌جا بمطر نرسیده است و شاید بجهت خوردن و یا بر شکم ردن شمشیر تراق باشد که آن را مشعشع گویند و بعد از سید محمد، چندین دیگر از خانواده ایشان با حدود سال ۹۵۰ هـ قمری در شوشتر و حویره و دیگر بلاد خورستان حکومت داشته‌اند انتہی (ص ۲۰۱ لس و ۲۶۵ ت و موارد مربوطه مکتب مذکوره از دریمه و غیرها)

عبدعلی بن حمعة - حویری المولد ، شیرازی المسکن ، عالم

ح و ی

فاصل محدث شاعر ماهر ادیب نارع ، علوم متنوعه را جامع ،

با شیخ حرّ عاملی (متوفی سال ۱۱۰۴ هـ قمری عهد) و مجلسی (متوفی سال ۱۱۱۱ هـ ق) و نظائر ایشان معاصر بوده و از تألیفات او است

۱- شرح لامية العمم ۲- نور الثعلین که تفسیر قرآن مجید بوده و معظم احبار و

احادیث وارده از حضرت رسالت و آل عصمت و طهارت ع را حاوی میباشد سید نعمت الله حرّائری (متوفی سال ۱۱۱۲ هـ قمری عهد) پیر ارشادگردان وی بوده و سال وفاتش بدست بیامد (ممل و ص ۳۵۸ ت)

شیخ عبدعلی بن رحمت- حویری، فاصل ، عارف علوم عربیّه و

ح و ی

عروض و غیره ، شاعر ادیب و مشی بلیع بود ، جماعتی اراکان

عصر خود را مدح کرده و همچو گفته و از تألیفات او است

۱- حاشیه تفسیر بیضاوی ۲- دیوان شعر ترکی ۳- دیوان شعر عربی ۴- دیوان

شعر فارسی ۵- رساله رمل ۶- شرح شواهد مطول ۷- قصراتعمام در ادبیه حاسه در امل الامل بوسته و ظاهر آنست که بسجه غلط بوده و قطراتعمام باشد ۸- کتاب حکمت ۹- کتاب عروض ۱۰- کتاب نحو ۱۱- کلام الملوك ملوك الکلام شیخ عبدعلی ، از شیخ بهائی

(متوفی سال ۱۰۳۱ هـ ق) و دیگران درس خوانده و رمان وفاتش بدست بیامد در امل الامل

بعد از شرح مذکور ، شیخ عبدعلی بن ناصر بن رحمت بحرانی را عنوان کرده و گویند

سید علی بن میرزا احمد در رسالفة العصر با علم و فصل و ادب وی را ستوده است و بعضی

از اشعار او را نیز نقل کرده و دیوان شعری ترکی و عربی و فارسی و قطراتعمام فی شرح

کلام الملوك ملوك الکلام و المعول فی شرح شواهد المطول را نیز از تألیفات وی شمرده است

و ظاهر کلام امل الامل آنکه این عبدعلی بن ناصر بن رحمت غیر از عبدعلی بن رحمت

مدکور در فوق است لکن ظاهر بچندین قرینه ، وحدت و عین هم بودن آنها است بلکه در روصاب قطع بوحدت دارد و اینکه یکی را به بحرانی موصوف و دیگری را بحویری متصف داشته در قبال قرائن و امارات وحدت، دلیل تعدد بوده و بطاثرش بسیار میباشد که يك شخص را بحدین ملاحظه بحد محل مسوب دارند و نسبت بحد نیر در کتب رجال و تراجم بسیار است (ملل و سطر ۳۳ ص ۳۵۸ ب)

حویری

شرح عبدالعاهر - بعنوان عبادی خواهد آمد

حویری

سیدعلی خان بن سید حلف - مشععی حویری مدکور در بالا ، از

فحول علمای امامیه میباشد که والی حویره بود، عالمی است عابد

فاصل صالح ادیب شاعر حلیل العدر ، به تصوف مایل و ممدوح شعرای عصر خود و از اشعار او است

وما فهم من يعبد الله مسلما

انار من الاسلام مساكن مظلمة

لما خلق الرب الكريم جهنما

ولولا حسام المرتضى اصبح الوری

و انائه العراکرام الاولی بهیم

واقسم لوفال الانام بجهنم

بألیفات طریقه سیاری دارد

۱- حوای اعتراضات السد الشرف الحرحانی علی حدیث العذیر ۲- حبر حلس

و نعم الانس که دیوان اسمار او است ۳- حبر الممال ۴- دیوان اشعار که همان حبر حلس

است ۵- شرح الاسماء ۶- منجى الناس ۷- نکت السان در تفسیر آیات و احادیث

مشکله و کلمات حکمیته و هیون ادبیته که سال ۱۰۸۴ هـ ق در طرف پنج ماهش تألیف داده

است ۸- النور الثمین فی انبات النص علی امر المؤمنین مع که در سال ۱۰۸۳ هـ تألیف داده

است میرزا عبدالله افندی سالف الرحمة می گفته گمان دارم که اکثر فوائد کتب سید

نعمت الله حرائری از بآلیفات این فاصل حبر مأخوذ باشد باری سیدعلی خان فرموده

در بعه در سال ۱۰۸۸ هـ قمری (صحیح) وفات یافت

تصرف این سیدعلی خان حویری غیر از معاصرش ، سیدعلی خان مدنی المولد،

شراری الاصل، سارح صمدیته و صحیفه سجادیته است که وی پسر امیر نظام الدین احمد

بن محمد معصوم بن سید نظام الدین احمد بن ابراهیم بن سلام الله ، اراخفاد صدر الدین

دشتکی سید محمد شیرازی پسر عیاش الدین منصور آتی الترحمة ، بوه عقتم همین عیاش الدین ،
لقش صدر الدین و مسش ما نیست و شش واسطه بر بد بن علی بن الحسین علیهما السلام

والتبریه رب العالمین

قلنا انصبا ربه فیه وكان الفراغ من توبین الامامین صلوات الله عليهم اجمعين
الاثین سابع شهر شوال سنة خمس و سبعين و ثمانين و مئتين و مئتين
الاثین شهر شوال هو تاريخ الامام و قد نظر رجوه ففان
هـ ، و سابع شهر شوال هـ ، جينا و رد اكامة هـ ،
هـ ، و سابع شهر شوال هـ ، فلما فرغ اتسامة هـ ،
والجوه على الامام و الصلوة على خير الامام محمد و آله عليهم افضل الصلوة
و السلام قلنا انصبا ربه فیه انما اعلمت به و كان الفراغ من توبین
هذا التاريخ المبارک تسويش الباليه و كره الهم و التباله و كوفه
بمان و بلاد ففكسدت مهابس و الفضل و طلبة هـ ، و مات دولة الجبال
و احزابيه ففمير من العار لاسمه هـ ، و لم يبق منه اثر و انما الباليه ففان
رسمه هـ ، صبيحة يوم الاثنين ثلاث عشر و خلون من جادى لاسره و اجته
شهر رسته تسع و سبعين و الف الف من هـ نظامها هـ و اكل على احد
نظامها هـ و انما الله جل جلاله فضل و اعظامه هـ ان ثم العمد ففبوله كلاب
بانما هـ هـ و ان جود خالص الوجهه و جود و رضوانه هـ و ان يجمع بطا
بكره و احسانه و كتب مؤلفه الفعير الجويه المعنى على صدر الدر المنقوش
انما نظام الدين الحسينى المسوق عنده هـ هـ و غيرها اسمها هـ

والتبریه رب العالمین ، و الصلوة والسلام

على سيدنا و مولانا محمد و آله الطيبين

الطاهرين ، مادد

نادرى بلخ

بارق

اميرت

کلیسه خط سد علی خان مدنی سراری - ۷

کلیسه فوق ار صفحه آخر کتاب (الحدائق النديه شرح الفوائد الصمدیه) مساسد ۴۵
مسحه اصل بخط سارج و در کتابخانه جناب آقای صدر الدین نصیری موجود و بنام
کتاب بخط سد علی خان مدنی است

منتهی میشود وی حیوهری است عجیب ، فاضلی است ادیب ، عالمی جامع و نارع ، شاعری ماهر، از افاضل علمای امامیه که در لغات عربیه و علوم ادبیه صاحب ید بیضا و دستی توانا ، جامع جمیع کمالات عالیہ علمیہ، با میرزا عبدالله اقمندی و سیدعلی خان حویبری و مجلسی ثانی و شیخ حرّ عاملی و نظائر ایشان معاصر بود ، از شیخ علی سبط روایت کرده و با احارۀ مدسحه از مجلسی ، با دو واسطه از صاحب معالم و صاحب مدارک نقل و با دو واسطه دیگر از شرح بهائی روایت کرده است هر یک از تألیفات طریقه او برهانی فاطع و شاهدهی بلامعارض ، بر علو مراتب علمی ، حدت دهن ، دقت و فطانت وی میباشد

- ۱- احوال الصحابة و الثابعین و العلماء ۲- اعلاط الفیرورآسادی فی العاموس با
- اعلاط العاموس ۳- انوارالرابع فی انواع الندیع که شرح منظومۀ ندیعیہ مذکور در بر میباشد که در هند و تهران چاپ و مرجم استفاضة فحول و اکابر میباشد پوشیده بماند
- سید علی خان در سال ۱۰۷۷ هـ و قصیده‌ای مشتمل بر یکصد و چهل و هفت بیت در مدح حضرت رسالت ص در دوازده شب اشاکرده است و آن قصیده دارای یکصد و پنجاه و سه نوع از صایع علم ندیع میباشد و در هر یک از آیات که مشتمل بر صنعتی است نام همان نوع صنعت صریح و حود آن داشمند یگانه همین قصیده را شرح ، و آن شرح را انوارالرابع فی علم الندیع نام کرده و در سال ۱۰۹۳ هـ تألیف شده است در دیباچه اش گوید،
- صهی الدین حلّی در نظم انواع ندیع که هر نوعی را در یک بیت نظم کرده متکرر نموده تا کما
- بامین الدین علی بن عثمان بن علی بن سلیمان اربلی شاعر صوفی (متوفی سال ۶۷۰ هـ و که شرح حال او را بهمین عنوان نگارش داده‌ام) اقبعا حسته است و هیچ یک از این دو عالم مشحذ، نوریه کردن نام حود نوع ندیعی را محض بجهت صعوبت آن ملزم شده و بحسب کسی که این رویه را معمول داشته عزالدین موصلی است سس صهی الدین ابن حجت بیر در همین شیوه تابع وی گردیده و حود صاحب ترجمه (سید علی خان مدنی) سومی ایشان است ۴- ندیعیه که منظومه‌ایست در علم سدیع و در فصره سومی مذکور داشتیم
- ۵- تحمیس الردة ۶- التذکره فی الفوائد النادرة ۷- الحدائق الندیعیه فی شرح الفوائد الصمدیه

که تألیف آن در سال ۱۰۹۹ هـ ق پایان رسیده و در ایران چاپ شده و همانا شرح کبیر صمدیه شیخ بهائی است ۸- حدیقة العلم ۹- الدرجات الرفیعة فی طبقات الامامیة من الشیعة که نسخه آن در برلین موجود است ۱۰- دیوان شعر ۱۱- رصاص السائکین فی شرح صحیفة سید الساجدین ع که در ایران چاپ شده و پنج نسخه خطی آن نیز شماره های ۱۰۳۷-۱۰۴۱ در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران موجود است و در همین شرح خود آن کتاب مستطاب را با سندی دیگر غیر از سند مشهوری که در اول آن نگارنده یافته نیز روایت میکند ۱۲- الرهرة در نحو ۱۳- سلافة العصر فی محاسن اعیان العصر ۱۴- سلوة العرب واسوة الادیب ۱۵- شرح ندیعیة صفی الدین حلی چنانچه در شرح حالش اشاره خواهد شد ۱۶- شرح صغیر بر صمدیه که نامش الفرائد النہمة فی شرح الفوائد الصمدیه میباشد و در سال ۱۲۷۰ هـ قمری در تهران چاپ شده است ۱۷- شرح کبیر صمدیه که در سند هفتم مذکور شد ۱۸- شرح متوسط بر صمدیه ۱۹- الطرار الاول فی ما علیه من لغة العرب المعول که با تمامی موفق شده و ظاهراً تا حرف صاد است ۲۰- الکلم الطیب والعیث الصیب در ادعیه که در تهران چاپ شده است ۲۱- المحلاة که نظر کشکول سیح بهائی است ۲۲- منظومہ ندیعیه که در فقره چهارمی مذکور شد و غیر اینها

در مستدرک گوید سید علی حان مدنی ، در سارده سالگی ، در حال حیات پدر که در حیدرآباد هند ساکن و داماد عبداللہ قطب شاه بوده بمولد خود مدینه منوره مهاجرت کرد ، بعد از فوت پدر بحسب دعوت قطب شاه در برهان پور شرف ملاقات وی نایل آمد و ریاست هزار و سیصد سواره بنومو کول شد و نالصب حان مفتخر و سپس بحراست اورنگ آباد و حکومت ماهور و بعدی دفتر دولتی در برهان پور علی التریب منصوب گردید و عاقبت با احارۀ آن شاه والاحاء بریارت حرمین و اذقۀ عراق مشرف شد بعد ناسپهان رفته و مورد تعظیم شاه سلطان حسین گردید پس بشیراز که موطن اصلی پدرانش بوده رفته و در مدرسه منصورتہ تدریس کرد و تا آخر عمر خود مرجع استفادہ بوده با در سال ۱۱۱۸ یا ۱۱۲۰ هـ قمری (عقیح یا عفتک) در همان بلده وفات یافت و در حرم شاه حراغ در قرب قبر

سید ماحد مدفون گردید و بچند واسطه از مشایخ خود صاحب مستدرک است
(ص ۱۲۴ ت و ۱۲۵ هـ و ۳۸۶ م سن و ۲۰۱ ل و ۲۴۴ مط و ۴۲۶ ح ۲ و ۷۶ ح ۳ و ۹۳ و ۲۵ ح ۴ در بعه و عره)
ملا فرح الله بن محمد بن درویش بن محمد بن حسین بن حماد بن اکبر -

حویری

حویری ، عالم فاضل محقق ادیب شاعر که با شیخ حرّ عاملی

(متوفی سال ۱۱۰۴ هـ ق) و نظائر وی معاصر بود و تألیفات طریقه دارد

- ۱- ابحار المقال فی معرفة الرجال که جمیع معاصرین و متقدمین خود را ذکر کرده و دارای هشتاد هزار بیت بلکه ریادتر میباشد بمرموده ریاض العلماء بنقل در بعه حاوی رطب و یاس بلکه بمرموده روضات، حشو و فصولش بسیار میباشد چنانچه اسما مشهورین را مکرراً صط کرده و هر کسی را که نامی از وی در کتب یا ابحار هست نگارش داده است، با حائیکه ارادل و احامر حتی شمر بن دی الحوش را نیز نوشته و گوید که شمر هم از پدرش روایت میکند ۲- تاریخ کبیر ۳- تذکره عنوان الشرفی که به پنج علم نحو، تاریخ ، عروض ، قوافی و فقه شافعی مشتمل است ۴- تفسیر ۵- دیوان شعر که بر رک است ۶- رساله ای در حساب ۷- شرح تشریح الافلاک ۸- الصعوه در اصول و روش رتبه الاصول شیخ بهائی ۹- العایة در منطق و کلام بروش بحرید حواحه ۱۰- کلام که کتاب بررکی است در علم کلام و مشتمل بر همداد و سه فرقه ۱۱- المرقعة ۱۲- مناسک شاه وردیه که از تألیف آن در سال ۱۰۹۴ هـ ق فراعیت یافته و در این کتاب ابحار المقال فوق حواله و رجوع میکند و از ابحار معلوم میشود که تألیف ابحار بش از این تاریخ بوده است ۱۳- منظومه است در معانی و بیان

وجه سمیمه کتاب تذکره عنوان الشرفی مذکور آنکه روزی در مجلسی صحبت از کتاب عنوان الشرف الوافی بالفقه والنحو والتاریخ والعروض والقوافی تألیف شرف الدین مصری نحوی (که شرح حالس بعنوان شرف الدین اسمعیل مذکور خواهد شد) در میان آمد ، اشکار شرف الدین در نظر آن تألیف خود (بطوری که در شرح حالس اشاره خواهیم کرد) مورد حیرت و شگفت حاضرین گردید ، ملا فرح الله نیز بدون ملاحظه آن کتاب همین کتاب را بهمان نمط تألیف و تذکره عنوان الشرفی موسومش داشت و فاب ملا فرح الله

موافق نقل از کشف الحجب (تحت عنوان تذکرة عنوان الشرف) سال ۱۱۴۸ هـ ق بوده است و در دريعة استبعادش نموده نايکه چون کتاب رحال فوق را پيش از سال ۱۰۹۴ هـ ق که تاريخ تأليف کتاب مناسک مرور است تأليف داده پس اگر در سال ۱۱۴۸ هـ ق وفات يافته باشد لازم آيد که تأليف کتاب رحال مذکور زياده بر شصت سال پيش از وفات خود باشد و اين هم مستبعد است (بحکم عرف و عادت) ناري از اشعار ملا فرح الله است

احسن الی من قد اساء فعاله لو کنت تو حسن من اسائه العطب
وانظر الی صع التحیل فانها ترمی الحجاره وهی ترمی بالرطب
(مئل و ۴۸۲ ح ۲ دريعة و ۵۱۱ ت)

علی بن سلیمان - نحوی نمیمی، اروحوه و اعیان شعرا و نحویس یمس

حیدره

که کتاب کشف المشکل در حوار او بوده و در مدح آن کتاب خود گوید

صمت للمستأدین مصمماً سمیته نکتان کشف المشکل
سقا الاوائل مع تأخر عصره کم آخر ازری توصل الاول
قیدت فيه کل ما قد ارسلوا لیس الممید کالکلام المرسل

(ص ۲۴۳ ح ۱۳ جم)

در سال ۵۹۹ هـ قمری (ثبط) در گذشت

ملا علامر صا - از شعرای یرد میباشد که شعلش مکتب داری بود ،

حیران

در او آخر عهد حیحوون محمد شاعر بردی (متوفی سال ۱۳۱۸ هـ ق)

می ریست ، در حط سح ماهر و در نظم و نثر توانا و قادر و چند سحجه از دیوانش بحط خودش در یرد موجود بوده و از او است

راهد که ترس روز حرارا بهانه ساخت بیمس رحلق بود و حدارا بهانه ساخت

ایضاً

شکست سحجه مارا هیج عم بیست مسادا ساعر می را شکستی
حه سان ارکوی او بیرون بهم پای که دارم همجو رلمس پای سستی

(۲۸۲ تاریخ یرد)

و سال وفاتش بدست نیامد

حیران

سر را محمد علی مدرس - در دبل بعنوان وامق خواهد آمد

شاعری است ایرانی که مولدش قم و مسکش همدان بود، قصائد

حیرانی

و عربیات بسیاری داشته است چهارمئوی نام های بهرام و ناهد،

مناظره ارض و سما ، مناظره سیح و مرع و مناظره شمع و پروانه دارد و در ۹۰۳ هـ قمری
(طح) درگذشت و ار او است

دوش آشی که بر سر کویس بلند بود آتش سود آه من مستمند بود
بام و مشحص دگری بدست بیامد (ص ۲۰۴ ح ۳ س)

حیرت ابوالحسن میرزا - بعنوان حاج شیخ الرئیس مدکور شد

حیرت قیام الدین - از شعرای اصفهان میباشد که اشعار بسیاری گفته و
کتابی بنام تذکره معالات الشعراء تألیف داده و ار او است

مصطرب حالم ار آه و روشن و رمشان من بدانم بجه بدیر ، بدست آرمشان
صفحه روی تو چین است و دو حشمت دو عرال حش رلف تو داده است ره رسو ، رمشان
در سال ۱۱۲۴ هـ قمری (عقد) درگذشت و ظاهر آن است که نامش بیر همان قیام الدین است
(ص ۲۴ ح ۳ س)

حیرتی - تحلیص حدتین از شعرای ایرانی میباشد بدین شرح

۱- اصفهانی که در سال بهصد و هشتاد و نهم هجرت بهندوسان رفته و مورد عنایت
قطب شاه گردید

۲- میرحس نام ، ارسادات استرآباد که در سال ۸۳۹ هـ قمری (صلط) درگذشته
و از اشعار او است

توان بهجر بوآسان وداع جان گفت ولی وداع بوآسان نمیتوان گفت

۳- قروویی که در آن بلده شعل سراحی داشته و ار ار است

عید آمد و افروود عمم را عم دیگر مانم رده را عید بود مانم دیگر

۳- مولانا حیرتی مروی ، از اهالی مرو ، که در هر نك از مدح و فصح ماهر
بوده و فلندرانه و لانا لیا نده میرسته است ، با وحید قمی (متوفی سال ۹۴۲ هـ ق صمص)
مباحث داشته و از طرف شاه تهماسب ماصی مورد عنایت شاهانه گردید ، در سال ۹۶۲ هـ
قمری (طسب) درگذشته و کتاب بهجة المصاحح و دیوان کلر از نامی ار آنار وی میباشد و این
رباعی هم ار او است

گه دل ارعشق تان گه حکرم میسورد عشق هر لحظه بداع دگرم میسورد
 من ر حدود بیحیر و آتش هجران در دل وه که این شعله شی بیحرم میسورد
 غیر از آنچه مذکور شد مشخص دیگری از ایشان بدست نیامد (ص ۲۰۰۴ ح ۳۳)
 سعد بن محمد بن سعد بن صیفی - تمیمی ، نقش شهاب الدین ،

حیص بیص

کبیه اش ابوالهوارس، فقیهی است شافعی، ادیب شاعر ماهر، در
 اکثر علوم متداوله ماهر، نامقتی لامرالله سی و یکمین حلیفه عاسی (۵۳۰-۵۵۵ ق)
 معاصر، بلکه چنانچه از بعض تواریخ وفاتش معلوم میشود زمان مستحده و مستصیثی و
 ناصر خلفای بعد از مقتی را (۵۵۵-۵۷۵ ق) نیز درک کرده است ادبیات و نظم
 بر دیگر فنون و مرایای وی برتری داشت، مگمان خودش از اولاد اکثم بن صیفی تمیمی
 حکیم مشهور عرب بود و بعضی از ارباب سیر احتمال تشیع در وی داده اند بلکه در
 روایات الحثات گوید در خاطر دارم که حیص بیص از شعرای شیعه امامیه حقه بوده
 و او را در بعض کتب تراجم بهمین صفت مذکور داشته اند قاصی احمد بن حنکلی
 در وفيات الاعیان شافعی بودنش تصریح کرده و در دلیل شرح حالش هم از شیخ نصرالله بن
 محلی که از ثقات اهل سنت و جماعت میباشد نقل کرده است که حضرت علی بن ابیطالب
 علیه السلام را در حوای دیده و گفتم یا امیرالمؤمنین، مگد را فتح میکید و باره طرف
 ابوسعیان را رعایت کرده و خانه او را مأمس فرار میدید و میفرمائید من دخل دار ابی سعیان
 فهو آمن در بلاغی اس عیایت بررگ روز عاشورا ، نست هر رندت حسین علیه السلام کردند
 آنچه را که کردند، آن حضرت فرمود آ یا اشعار حیص بیص را که در این معنی گفته شنیده ای
 گفتم نه ، فرمود که آنها را از وی استماع کن پس از حوای بیدار شدم، بحاجت سرای
 حیص بیص شافتم و صورت واقعه را برای او نقل کردم ، ارشیدند آن صیحه رده و اطهار
 حرج نمود و سوگند یاد کرد اشعاری را که آن حضرت اشاره فرمود در همان شب نظم کرده ام،

به برای کسی نوشته ام و نه از دهان بیرون آمده است آنگاه این ابیات را فرو خواند

ملکنا فکان العمومنا سحیة
 و حلتتم قتل الا ساری و ظالما
 فلما ملکتم سال نالدم انطخ
 عدونا علی الاسری معی و تصح

وحسکم هذا التفاوت سنا
 وکل اناء نالندی فیه یصح
 محیی نماید که از این اسعارش بیر اسدشمام رایحه تشع میشود و سر از او اسب
 یا طالب الرق فی الافاق محتهدا
 افصر عساک فان الرق معسوم
 الرق یعی الی من لس نطلنه
 و طالب الرق یعی وهو محروم

ایضاً

انق ولا تحش افلالا صد قسمت
 علی العساد من الرحمن اوراق
 لا ینع الحل مع دینا مولة
 ولا یصر مع الاقسال انصاق

در سب اشتهاو او بهمین لقب حیص بیص (که در لغت عرب بمعنی شدت و احتیاط است) گویند روری مردمان را در حرکت و شدت و اضطراب دیده و گفتم ما للناس فی حیص بیص یعنی مردمان را چه رح داده که در شدت و احتیاط واقع شده اند پس این لفظ ، لقب مشهوری وی گردید وفات او سوشته طنقات الشافعیة، سال ۵۵۴ (تد) و یا سوشته بعضی اراکان سال ۵۷۴ یا ۵۷۷ قمری (بعدی ثغر) در بغداد واقع و در معارف قریش مدفون گردید (ص ۲۱۹ ح ۱ کاو ۳۰۸ ت و ۶۶ ح ۵ مه و ۱۲۷ هـ و ۲۲۱ ح ۴ طنقات و ۱۹۹ ح ۱۱ حم و ۵ و ۲۰ ح ۳ ص) سیاس بیکران که حرف ح بی نقطه بیر با ترجمه حال حیص بیص ، با هزاران حیص بیص زمان نمایان رسید و بعد از این نحو است خداوندی حرف ح نقطه دار آغار میشود

باب « خ »

(نقطه دار)

در کلمات بعضی از اکابر ، عیث الدین منصور است که بهمین عنوان حواهد آمد	حاتم الحکماء
در کلمات بعضی از اکابر ، حاج ملامهدی راقی را گویند که بهمین عنوان راقی حواهد آمد و گاهی ابن المتوح ، احمد بن عبدالله را بهمین وصف موصوف دارند که در باب کسی بهمین عنوان ابن المتوح نگارش حواهد یافت	حاتم المحتهدین
گاهی احمد بن محمد بن علی نحوی را گویند که بعنوان ابن الملا در باب کسی حواهد آمد	حاتم الحاة
زکریا بن احمد ، که بعنوان لحيانی حواهد آمد	حاتمة المتأخر بن
لفظ محمد بن محمد باقر میباشد و ترجمهٔ خالش موکول بکتاب رجال است	حاتون

خاتون آباد

سید میرزا ابوالقاسم - بعنوان مدرس حواهد آمد	حاتون آنادی
امیر عبدالنافی بن امیر محمد حسین بن امیر محمد صالح بن امیر عبدالواسع - حسیسی اصفهانی خاتون آنادی ، از اولاد حسن افطس ابن علی اصغر ابن حضرت سجاد ع میباشد و سب شریفش با بیست و پنج	حاتون آنادی

۱- خاتون آنادی - دهی است از ناحیهٔ حی از بواخی اصفهان اینک بعضی از مسوس

آرامی نگارم

واسطه آن امام عالی مقام موصول میگردد ، وی از اکابر علمای اوائل قرن سیزدهم هجرت و از مشایخ سید مهدی بحر العلوم سالف‌الترحمه بوده و در سال ۱۲۰۷ یا ۱۲۰۸ هـ قمری (عرب یا عرج) وفات یافته است کتاب **اکمال الاعمال فی استكمال الاقسام** و کتاب **الجامع فی اعمال شهر رمضان** از تألیفات او است (دریعة)

امیر محمد حسین ابن امیر عبدالباقی - مذکور فوق از اکابر علمای

حاتون آبادی

اوائل قرن سیزدهم هجرت میباشد که با صاحب ریاس و میررای

قمی و بطائر ایشان معاصر و سالها ، حاضر درس آقا محمد باقر بهبهانی و دیگر اکابر وقت بود ، در حسن احوال و شوکت و حلال و غیرت دینی مقامی بس بلند داشت و از تألیفات او است **ردپادری نصرانی**، **معجزات مریم** پدر صاحب روایات در حدود سال ۱۲۲۲ هـ ق از وی احاره داشته و در حدود ۱۲۳۱ یا ۱۲۳۳ هـ (عربا - یا - عرج) وفات یافت (سطر ۳۱ ص ۱۹۹ ت)

امیر محمد حسین - پدر امیر عبدالباقی مذکور فوق، از اکابر علمای

حاتون آبادی

امامیه میباشد که در فقه و ادبیات و فیهون حکمت مهارت سرا

داشت ، حظ و ربط و اهلا و اشایش بر رعایت مرعوب بود ، از پدر خود، حدّ مادری خود ملا محمد باقر مجلسی، آقا جمال حواساری، آقا حسین حواساری ، سید علی حان شیرازی شارح صحیفه و بعضی افاضل بحرین، روایت نموده است و سید مهدی بحر العلوم، شیخ رین الدین بن علی حواساری ، سید عبدالباقی فرزند خود امیر محمد حسین و دیگر اکابر وقت هم از وی روایت میکنند و در سال ۱۱۴۵ هـ قمری سید نصرالله حائری (که شرح حالش بعنوان مدرس خواهد آمد) احاره داده است تألیفات سودمند بسیاری دارد

۱- **الالواح السماویة فی احتیارات ایام الاسوع والسنة ۲** - حاشیه بر شرح حدید

تحرید ۳- حاشیه بر شرح لمعة ۴- حکم النکاح بین العیدین که بعضی از سہاب نادره نازده را

با حوائی آنها حاوی است ۵- **حوالی الحواهر فی اعمال السنة ۶** - رساله نداء ۷- رساله

زکوة ۸- **السبع المثانی فی زیارات ائمة العراق ۹** - کلمة التقوی فی تحریم العیبة ۱۰- **مفتاح**

الفرح فی الاستحارة ۱۱ - مناقب الصلاة ، احاره مشروح و معصّلی است که در فریة حابون آباد

اصهبان ، موقع محاصره آن نواحی از طرف افعان ، برای عالم فاضل شیخ رین الدین